

یادداشت

سبر وفاق

آن‌وقت از سوی یک مدیر همسو در همان وزارتخانه از آن مدیر، یا رئیس سازمان، برکنار شده و در یک مکان مدیریتی دیگر دعوت به کار می‌شود، این نه تنها دهان‌گچی به وزیر مربوطه است بلکه روند عملکرد دولت را با اخلال مواجه می‌کند. در وزارت بهداشت در سال‌های گذشته رضایتی از عملکرد سازمان غذا و دارو نبوده است، باید مدبری با راهکارهای جدید برای این حوزه انتخاب کرد که دارو را به بلای صنعت خودروسازی دچار نکند. بستن مرزها و عدم واردات و از بین بردن رقابت و تنگکردن انتخاب مردم، نه کمک به صنعت دارو است و نه حمایت از جان مردم، چنان‌که تجربه تلخ آن در صنعت خودروسازی وجود دارد. این حتی به معنای حمایت از تولید داخلی هم نیست. در وزارت راه، مسکن و شهرسازی کار به مراتب دشوارتر است، وزارتخانه‌ای چندوجهی و بزرگ که علاوه بر مسئولیت راه‌ها و نظارت بر ساخت مسکن، گلوگاه‌های کشور را در اختیار دارد که اغماض در قبال آن ممکن است خسارت‌های جبران‌ناپذیر به همراه داشته باشد. رؤسای شرکت‌های کشتی‌رانی و هوایی عمدتاً نیازمند تغییرات اساسی هستند، اما ظاهراً هیچ برنامه جدی‌ای برای آن وجود ندارد. وزارت کار و رفاه اجتماعی مسئولیت سنگینی در قبال بزرگ‌ترین زیرمجموعه خود یعنی «هستا» دارد. هستا را باید به گونه‌ای مدیریت کرد که خلوتگاه جناح‌های سیاسی نباشد. اگر مدبران توانمند و تحصیل‌کرده مدیریت شرکت‌های آن را بر عهده بگیرند (حال از هر جناح فکری که هستند) هستا می‌تواند موتور محرک خوبی برای اقتصاد کشور باشد. شاید در این مقال فرصتی برای پرداختن به همه وزارتخانه‌ها نباشد، اما در مفهوم وفاق باید تجدید نظر اساسی به عمل آید تا دست وزرا را باز بگذارد. ایجاد تغییر و تحول به معنای نفی گذشته نیست، ایجاد تغییرات در منافات با وفاق نیست. می‌توان مدیران گذشته را تغییر داد و از هرگونه تفکر سیاسی (اصولگرا یا اصلاح‌طلب) به جای آنها استفاده کرد، به گونه‌ای که وفاق هم معنا داشته باشد. وفاق نباید سپری باشد تا مدیران بی‌کفایت آن را در مقابل خود بگیرند و از آن برای باقی‌ماندن بر صندلی قدرت استفاده کنند. مدیرانی که به بهانه‌های واهی در سال‌های گذشته خالص‌سازی را انجام دادند و مخالفان فکری خود را حذف کردند، سبر وفاق در دست گرفته‌اند و به دنبال پست‌های مدیریتی تازه هستند. باید به معنای وفاق از منظر درست آن نگریست تا دست مدیران برای تغییرات لازم نلرزد.

وفاق ملی وقراردادمدینه‌النبی

گزاره ایران برای اسلام یا اسلام برای ایران اساساً رهن است. وفاق ملی، مدلی از حکمرانی است که در آن همه شهروندان فارغ از نژاد، قومیت، جنسیت و مذهب، شهروند ایران‌نیم هستند و از آن حیث که شهروند هستند، به تصریح اصل نوزدهم قانون اساسی از حقوق مساوی برخوردارند. از دیگر الزامات وفاق ملی توانمندسازی جامعه و مشارکت‌دادن آنها در عرضه‌های مدنی واجتماعی است. توازن در حاکمیت قوی و جامعه قوی مهم‌د وفاق ملی خواهد بود. البته دسترسی به آن بستهای از اقدامات، سیاست‌ها و اقتصادات را طلب می‌کند. تقویت سازوکارهای جامعه مدنی مانند وجود احزاب قوی، ملی و فراگیر، مطبوعات و رسانه‌های مستقل، شکل‌گیری نهادهای مدنی در حوزه‌های حقوقی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از جمله آنهاست. در کنار آن پاسخ‌گویی، انتقادپذیری، شفافیت، برپایی کرسی‌های آزاداندیشی مورد تأکید رهبری معظم انقلاب، انتخابات آزاد و رقابتی و… از سوی حکومت پیشران‌های وفاق ملی هستند. پیامبر بزرگ اسلام که در ایام ولادت فرخنده آن عزیز قزاق داریم و در قرآن از او به عنوان دارنده خلق عظیم یاد شده است، با بهره‌گیری از شفقت، نرم‌جویی و مدارا مؤفق شد پس از هجرت به مدینه با رویکردی مبتنی بر وفاق اجتماعی، الگوی موفق‌ی از مدیریت سیاسی، مدینه نویندار را ساماندهی کند تا همه قباایل، ادیان و… زیست عادلانه‌ای را در پرتو آن داشته باشند. زنده‌یاد حجت‌الاسلام دکتر داود فرحی در کتاب گران‌سنگ «پیامبری و قرارداد» مدلی از سیره و شیوه حکمرانی رسول گرامی اسلام را ارائه کرده است که به موجب آن مدینه و ساکنان آن از قواعد و سنن متنوع و تکثر مذهبی به وضوح برخوردار بودند. حکمرانی مبتنی بر «گفت‌وگومحوری»، قرارداد، آزادی و برابری، وفاق و قراردادی که حتی پیامبر تنها خود را در انحصار مسلمانان و در حلقه محض آنها قرار نمی‌داد و در مقام «حکم» با همه طرفین قرارداد نسبت برابر داشت. با اینکه پیامبر و رسانتش ابلاغ پیام‌های ربانی و وحیانی بود ولی در توافق مدینه محوریت با اداره شهر است نه تبلیغ دین. البته همان‌گونه که در نسبت بین دولت و جامعه بر توازن آنها اشاره شد. در مدیریت سیاسی پیامبر شهر و ضرورت حفظ تمامیت و قوت آن هم از اهمیت دوجندانی برخوردار بود. اگرچه قرارداد مدینه مکتوب بود ولی لزوماً همه قرارداد‌های اجتماعی نوشتاری نبوده‌اند، وفاق ملی از آن نوع قرارداد‌های نانوشته‌ای می‌تواند باشد که با عطف به موارد پیش‌گفته بر روی آن اجماع همگانی صورت پذیرد. در پایان امید است، هم دولت جناب آقای پزشکیان و هم اندیشمندان علوم سیاسی و اجتماعی با تبیین علمی و کارشناسی سازوکارهای راهبردی دست‌یابی به وفاق ملی را طراحی کنند تا از فضای مدنی موجود در جهت منافع ملی و ارتقای کشور به توسعه همه‌جانبه در چارچوب سند چشم‌انداز بهره‌گیری شود.



رقابت امانوئل مکرون واولاف شولتس در سقوط نزد افکار عمومی

رهبرانی که دیگر محبوب نیستند

محبوبیت اولاف شولتس، صدراعظم آلمان، به پایین‌ترین سطح خود یعنی ۱۸ درصد رسیده است. طبق نظرسنجی اخیر مؤسسه اینفراتست دیمپ (Infratest Dimap) که در سپتامبر منتشر شد، این پایین‌ترین میزان محبوبیت یک رهبر آلمانی در سال‌های اخیر است. آنگلا مِرکل، صدراعظم پیشین آلمان در طول ۱۶ سال دوران صدراعظمی خود معمولاً از محبوبیتی چشمگیر برخوردار بود و به‌طور میانگین ۷۶ درصد از اعتماد عمومی را با خود به همراه داشت. حتی در بدترین شرایط، زمانی که به دلیل سیاست‌های مرزهای باز خود در بحران پناه‌جویان سال ۲۰۱۶ تحت انتقاد شدید قرار گرفت، میزان محبوبیت او به ۴۶ درصد کاهش یافت که همچنان به‌مراتب بیشتر از میزان محبوبیت فعلی اولاف شولتس بود. شولتس که ریاست یک دولت ائتلافی سه‌حزبی و به‌شدت متکثر را بر عهده دارد، در ماه‌های اخیر با کاهش شدید محبوبیت مواجه شده است. این روند باعث شد که حزب او در انتخابات پارلمان اروپا در ماه ژوئن تنها ۱۴ درصد آرا را به‌دست آورد، که نهنتها از حزب اصلی مخالف عقب‌تر بود بلکه حتی برخی احزاب حاشیه‌ای همچون حزب راست‌گرای افراطی آلترناتیو برای آلمان (AfD) نیز جلوتر از آن قرار گرفتند.

وضعیت دیگر رهبران اروپایی: اگرچه وضعیت شولتس به‌طور خاص نگران‌کننده است، اما دیگر رهبران اروپایی نیز اوضاع چندان بهتری ندارند. بسیاری از رهبران مشهور اروپا، طبق داده‌های نظرسنجی‌های سه ماه گذشته در کشورهای خود، با کاهش شدید محبوبیت مواجه شده‌اند و امتیازهای پایینی در نظرسنجی‌ها کسب کرده‌اند. به‌طور کلی، این کاهش محبوبیت‌ها در میان رهبران اروپایی نشانه‌ای از افزایش ناراضیاتی عمومی در قاره سبز است. اگر چه معیار محبوبیت در هر کشور اروپایی می‌تواند متفاوت باشد، اما دلیل آن عمدتاً حس گسترده‌ای از ناامیدی نسبت به «سیاست‌های معمول» است. اینها گفته‌های بیان کوپیک، مدیر مطالعات اسلاوونیک و اروپای شرقی در یو‌سی‌اال، کالج دانشگاهی لندن است. کوپیک به پیرونیوف گفت: «احساس ناخوشایند و قابل لمس‌ی که وجود دارد ناشی از این تصور است که جهان در وضعیت خوبی نیست و هیچ‌کس نمی‌داند چگونه وضعیت را بهبود بخشد». او اضافه می‌کند که اروپا با کمبود «دیدگاه‌های مثبت و الهام‌بخش» در عرصه سیاسی رویه‌روست، در حالی‌که دو جنگ بزرگ و افزایش محبوبیت راست‌گرایان افراطی، شرایط را دشوارتر کرده است. با این حال، برخی رهبران می‌توانند از این بابت خوشحال باشند که محبوبیت آنها حداقل کمتر از پیشینیانشان شده است.

کوپیک همچنین تأکید می‌کند که محبوبیت دونالد توسک، نخست‌وزیر لهستان، از زمان روی کارآمدن وی کاهش داشته، با این حال، تاکنون بی‌اعتمادی به او به اندازه پاروسلاو کاجینسکی رهبر سابق حزب حاکم قانون و عدالت و رقیب سیاسی اصلی در حوزه سیاست خارجی بود. پس از سرنگونی محمد مرسی، رئیس جمهوری منتخب مصر و یکی از چهره‌های اخوان‌المسلمین در کودتای ۲۰۱۳ توسط عبدالفتاح السیسی، اردوغان رئیس جمهور ترکیه واکنش بسیار تندی به این حادثه نشان داد و با شکستن همه پل‌های ارتباطی با السیسی، روابط دو کشور به مدت ۱۰ سال قطع شد. ولی امروز، پس از تغییر نگرش آنکارا، پایه‌های همکاری قوی در روابط با مصر گذاشته شده است.

در صورت تحقق این همکاری‌ها می‌توان پیش‌بینی کرد که روابط ترکیه و مصر در سال‌های آینده جهشی کیفی داشته باشد. با نگاهی به گذشته تا حال روابط بود دو کشور شاهد هدررفتن پتانسیل همکاری دو کشور در ۱۰ سال گذشته به دلیل شکستن پل‌های ارتباطی و قطع روابط بود. در دوره

گزارش

فرمان پوتین برای افزایش تعداد اعضای ارتش روسیه

رؤیای دومین ارتش بزرگ جهان

رئیس‌جمهوری روسیه دستور داد تعداد اعضای ارتش این کشور ۱۸۰ هزار نفر افزایش یابد و سه رقم ۱.۵ میلیون سرباز فعال برسد. این اقدام، ارتش روسیه را پس از چین به دومین ارتش بزرگ جهان تبدیل می‌کند.

به گزارش روتیروز، ولادیمیر پوتین در فرمان جدید خود دستور داد تعداد کل نیروهای مسلح این کشور به ۲.۳۸ میلیون نفر برسد که ۱.۵ میلیون نفر آنها باید سرباز فعال باشند. براساس داده‌های مؤسسه بین‌المللی مطالعات راهبردی (IISS)، این میزان افزایش باعث می‌شود روسیه از نظر تعداد سربازان فعال و آماده رزم از ایالات متحده و هند پیشی بگیرد و در فهرست بزرگ‌ترین ارتش‌های جهان، جایگاه دوم را از آن خود کند. چین کمی بیش از دو میلیون نیروی نظامی فعال دارد. این سسونم بار است که پوتین -از زمان اعزام ارتش روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲- تعداد نیروهای ارتش این کشور را افزایش می‌دهد.

چین اقدامی درحالی انجام می‌شود که نیروهای روسی در شرق اوکراین در بخش‌هایی از خط مقدم گسترده هزارکیلومتری پیشروی و تلاش می‌کنند نیروهای اوکراینی را از منطقه کورسک روسیه بیرون برانند.

اگرچه روسیه پیش از سه برابر اوکراین جمعیت دارد و توانسته از طریق انعقاد قراردادهای پرسود، داوطلبان زیادی برای پیوستن به ارتش و جنگ در اوکراین جذب کند، مانند اوکراین خسارات سنگینی در میدان نبرد متحمل شده است و هیچ نشانه‌ای نیز از پایان جنگ دیده نمی‌شود. روسیه و اوکراین هر دو تعداد دقیق تلفاتشان را جزء اسرار نظامی می‌دانند، به همین دلیل دقیقاً مشخص نیست که در این جنگ دوساله هرکدام چقدر تلفات داشته‌اند.

آندری کارتاویولوف، رئیس کمیته دفاعی مجلس سفدای روسیه، درباره افزایش تعداد نیروهای فعال نظامی این کشور گفت: «این اقدام بخشی از طرح بازنگری نیروهای مسلح و افزایش تدریجی آنها برای هماهنگ‌شدن با وضعیت بین‌المللی کنونی است.» کارتاویولوف افزود: «ما اکنون برای تضمین امنیت در شمال غرب روسیه به تشکیل ساختارها و واحدهای نظامی جدید نیاز داریم؛ زیرا فلاتلند که با آن هم‌مرز هستیم، به بلوک ناتو پیوسته است. برای مقابله با تهدیدهای پیش‌رو، باید تعداد نیروها را افزایش دهیم.» پوتین از سال ۲۰۲۲ تا قبل از فرمان اخیر، دو بار دستور رسمی برای افزایش تعداد نیروهای رزمی روسیه صادر کرده بود.

در پی دستور اول، او ۱۳۷ هزار و بعد از دستور دوم، ۱۷۰ هزار نفر بر ارتش روسیه پیوستند. روسیه در سپتامبر و اکتبر ۲۰۲۲ بیش از ۳۰۰ هزار سرباز را برای حضور در جنگ بسیج کرد؛ اقدامی که ده‌ها هزار مرد در سن سربازی را وادار به فرار از روسیه کرد. کرملین اعلام کرده درحال‌حاضر هیچ بسیج جدیدی برنامه‌ریزی نشده است و فقط به داوطلبانی که برای جنگ در اوکراین ثبت‌نام می‌کنند، اکتفا می‌شود.

اقدام جدید مسکو این پرسش را ایجاد کرده که آیا روسیه آماده است هزینه افزایش سربازان فعال را بپردازد و آیا بودجه دفاعی این کشور برای تأمین تدارکات این میزان نیرو کافی است؟ برخی هم معتقدند این دستور پوتین جنبه عملی ندارد و احتمالاً نمایشی برای ایجاد رعب‌وحشت است. پیش از این، گزارش‌هایی منتشر شده بود که روسیه کارگران مهاجر و دانشجویان آفریقایی را مجبور می‌کند به تلاش‌های جنگی علیه اوکراین بپیوندد. براساس آن گزارش‌ها، مقام‌های روسیه کارگران مهاجر را تهدید کرده‌اند که در صورت نپیوستن به نیروهای مسلح روسیه، روادید آنها را تمدید نخواهند کرد.

یک مقام اروپایی در این زمینه گفته بود که برخی کارگران آفریقایی‌تبار تهدید شده‌اند اگر با شرکت در جنگ علیه اوکراین موافقت نکنند، اخراج خواهند شد. برخی از این کارگران به رشوه‌دادن به مقام‌های روسی متوسل شده‌اند تا از درگیری دور بمانند.



رقابت امانوئل مکرون واولاف شولتس در سقوط نزد افکار عمومی

رهبرانی که دیگر محبوب نیستند

اروپایی‌ها نظر «مثبت» و ۳۲ درصد دیدگاه «منفی» نسبت به ولودیمیر زلنسکی دارند. درعین‌حال، ۲۱ درصد از شرکت‌کنندگان گفته‌اند درباره زلنسکی که در دو سال گذشته صرف‌صل اخبار روزنامه‌ها بوده و به نمایندگی از کشور جنگ‌زده خود سفرهای زیادی به سراسر اروپا داشته است، «به اندازه کافی نمی‌دانند».

هرچند تلاش‌های دو سال اخیر زلنسکی او را به محبوب‌ترین رهبر در بین هشت چهره اروپایی مورد بررسی در این نظرسنجی بدل کرده است، اما به نظر می‌رسد او در میان همه کشورهای این بلوک ۲۷عضوی به یک اندازه محبوب نباشد.

بر اساس این نظرسنجی، به نظر می‌رسد رئیس‌جمهوری اوکراین در شمال اروپا و شبه‌جزیره ایبری، بالاترین محبوبیت را داشته باشد؛ به‌طوری که ۸۱ درصد از شرکت‌کنندگان در فلاتند، ۷۴ درصد در سوئد، ۷۲ درصد در دانمارک و پرتغال و ۶۴ درصد در اسپانیا اعلام کرده‌اند نظر مثبتی نسبت به این رهبر اروپایی دارند، اما بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان در مجارستان، ۵۷ درصد در یونان و ۵۶ درصد در بلغارستان گفته‌اند نظر «منفی» در مورد زلنسکی دارند. بیشتر شرکت‌کنندگان از کشورهای اسلواکی، اتریش، ایتالیا و جمهوری چک نیز عنوان کرده‌اند نظر مثبتی درباره این رهبر اروپایی ندارند. بررسی این نظرسنجی نشان می‌دهد دیدگاه شهروندان برخی از کشورها با توجه رسمی دولت‌هایشان در تضاد است. جورجا ملونی ایتالیایی و پتر فیلا از جمهوری چک از حامیان سرسخت اوکراین هستند و بارها از تحریم‌ها علیه روسیه دفاع کرده‌اند. اخیراً جمهوری چک راهکاری را برای تهیه و ارسال مهمات به کی‌یف آغاز کرده است. آلمان یکی از کشورهای استی که با شروع تهاجم روسیه، بیشترین کمک را به اوکراین کرده است؛ بااین‌حال، به نظر می‌رسد میان شهروندان این کشور اختلاف نظر شدیدی درباره رهبر اوکراین وجود داشته باشد؛ به‌طوری که ۴۱ درصد از آلمانی‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی، گفته‌اند نظرشان درباره زلنسکی «مثبت» و ۳۶ درصد دیگر اعلام کرده‌اند نظر «منفی» درباره او دارند. در رومانی، جایی که کشاورزان بارها از واردات غلات از زلن قیمت و بدون تعرفه اوکراین به کشاورشان شکایت کرده‌اند، اختلاف‌ها به همان اندازه چشمگیر است. ۴۹ درصد از رومانی‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی می‌گویند نظرشان درباره این رهبر اروپایی «مثبت» و ۴۰ درصد دیگر عنوان کرده‌اند که دیدگاه «منفی» نسبت به او دارند.

هرچند کشاورزان لهستانی نیز بارها به واردات غلات از اوکراین اعتراض کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد زلنسکی در میان مردم این کشور از محبوبیت خاصی برخوردار است؛ به‌طوری که ۵۷ درصد از لهستانی‌های شرکت‌کننده در این نظرسنجی، اعلام کرده‌اند نظرشان درباره رئیس‌جمهوری اوکراین مثبت و در مقابل تنها ۲۴ درصد عنوان کرده‌اند که نظرشان درباره او «منفی» است.

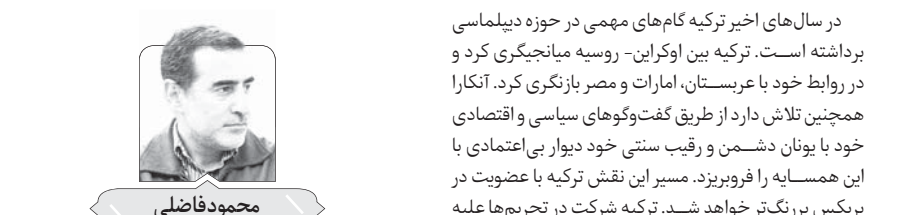
فرصت‌ها و چالش‌ها در دوران جدید روابط ترکیه و مصر

در جنگ از پیروزی حفرت جلوگیری کند و سپس دوره عدم درگیری در لیبی آغاز شد. در چهار سال گذشته، هیچ راه‌حل سیاسی برای تجزیه لیبی پیدا نشد. احتمالاً لیبی یکی از حوزه‌هایی خواهد بود که نزدیکی ترکیه - مصر ابتدا در آن مورد آزمایش قرار خواهد گرفت. مصر و ترکیه با مراکز قدرت در لیبی که در بخش شرقی و غربی با مرکزیت طرابلس و طبق تقسیم شده‌اند، وارد روند عادی‌سازی شدند.

ترکیه که یکی از حامیان سرسخت دولت آشتی ملی مورد حمایت سازمان ملل در طرابلس بود، درعین‌حال روابط خود با جناح شرقی را که حفرت یکی از بازیگران اصلی آن است نیز تا حدودی عادی کرد. در جریان بحرانی که در اواخر ماه آگوست گذشته در لیبی رخ داد، صدیق الکبیر، رئیس بانک مرکزی لیبی که دولت آشتی ملی در طرابلس قصد برکناری او را داشت، به ترکیه پناهنده شد.

سفر ابراهیم کالین، رئیس سازمان اطلاعات ملی ترکیه به طرابلس یک روز پس از سفر السیسی به ترکیه و دیدار وی با عبدالحمید الدببیه، نخست‌وزیر دولت آشتی ملی و سایر بازیگران لیبی، نشان‌دهنده تلاش ترکیه برای تأثیرگذاری در حل مشکلات لیبی از جمله آخرین بحران است.

بیانه مشترک دو کشور پس از سفر السیسی به ترکیه نشان داد که دو کشور در دوران جدید برای یافتن راه‌حل‌های سیاسی برای بحران لیبی و بسیاری از مسائل منطقه‌ای در راینزی نزدیک خواهند بود. السیسی در سخنان خود از توافق طرفین برای انجام راینزی بین نهادهای دو کشور برای تأمین امنیت و ثبات سیاسی در لیبی خبر داد. لزوم برگزاری هم‌زمان انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی در لیبی و ضرورت خروج نیروهای خارجی غیررسمی و مزدوران از لیبی و پایان‌دادن به «مسئله شبه‌نظامیان مسلح» از نکات مهم مطرح‌شده طرف مصری بود. بازیگران دیگر نظیر روسیه، آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا در معادله لیبی متنوع هستند که باید پذیرفت ایجاد تصویری از ثبات در این وضعیت آشفته آسان نخواهد بود.



محمودفاضلی

دقیلمات پیشین و تحلیلگر امور بین‌الملل

جدید، علاوه بر روابط دو جانبه، مسائل منطقه‌ای نیز از جمله مهم‌ترین موضوعات راینزی نزدیک ترکیه و مصر بود. بی‌شک آنکارا و قاهره دو مرکز نقل غالب در منطقه هستند. از این‌رو پیامدهای درگیری این دو با یکدیگر با تمایل آنها به همکاری و قرارگرفتن در کنار هم، توازن قوا در منطقه را به نقاط مختلف خواهد کشید.

یکی از نتایج ملموس تنش بین قاهره و آنکارا، روی آوری مصر به اتحادهای منطقه‌ای علیه ترکیه و ورود آن به ترتیبات نهادی با نزدیک شدن به یونان، دولت قبرس یونانی‌نشین و اسرائیل برای محاصره ترکیه در معادله انرژی در مدیترانه شرقی بود. مصر حتی ترکیه را از سازمان مجمع گاز مدیترانه شرقی مستقر در قاهره که برای تنظیم بازار گاز طبیعی در منطقه تأسیس شده بود، کنار گذاشت.

یکی دیگر از حوزه‌های تنش در روابط دو کشور روابویی ترکیه و مصر در میدان لیبی بود که در نتیجه جنگ داخلی به شرق و غرب تقسیم شده بود. در جنگ داخلی لیبی که در سال ۲۰۱۹ تشدید شد، ترکیه از دولت آشتی ملی مورد حمایت سازمان ملل حمایت کرد. این در حالی است که مصر در کنار متحدانی مانند روسیه و امارات رهبری ائتلاف شورهایی را بر عهده داشت که از نیروهای ژنرال حفرت برای سرنگونی این دولت حمایت می‌کردند. ترکیه با حمایت نظامی از دولت آشتی ملی در دوران ۲۰۲۰-۲۰۱۹، توانست با ایجاد تعادل